

اظهار نظر متناقض نمایندگان در مورد مهم‌ترین سند مالی دولت این ظن را تقویت می کند که بودجه ۱۴۰۲ به مجلس رسیده است

تحويل پنهانی بودجه؟



شرق: درحالی‌که دی‌ماه به نیمه نزدیک می‌شود، هنوز تکلیف لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ مشخص نیست. حالا برخی نمایندگان مجلس می‌گویند دولت لایحه بودجه را تحویل بهارستان داده و برخی این موضوع را انکار می‌کنند. تحویل پنهانی لایحه بودجه آن هم در شرایطی که احتمال تنظیم دومرحله‌ای آن مطرح شده بود، دوباره خبرساز شد. بسیاری از کارشناسان معتقد هستند در وضعیتی که اقتصاد کشور شرایط سختی را سپری می‌کند و آینده سیاست خارجی ایران و برجام در هاله‌ای از ابهام است، دولت برای تنظیم سند دخل و خرج کشور دچار چالش شده است.

اظهارات ضدونقیض درباره ارائه لایحه بودجه

«محمدرضا میرتاج‌الدینی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، از ارسال لایحه بودجه ۱۴۰۲ به مجلس خبر داد.» این خبر را خبرگزاری تسنیم صبح روز سه‌شنبه، هفتم دی ماه، منتشر کرد و نوشت که این نماینده گفته است که «دولت لایحه بودجه ۱۴۰۲ را عصر روز دوشنبه (۵ دی) به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده و این لایحه در اسرع وقت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی اعلام وصول خواهد شد تا به‌سرعت بررسی آن از سوی نمایندگان مجلس آغاز شود.» به گفته میرتاج‌الدینی همچنین مقرر شده دولت هر چه زودتر برنامه هفتم توسعه را امسال به مجلس ارسال کند.

همین نماینده چند دقیقه بعد در گفت‌وگو با ایرنا توضیح داده که طرح مجلس برای ارائه لایحه بودجه در دو مرحله نهایی نشده و لایحه ارسال شده یک‌مرحله‌ای و شامل احکام و تبصره‌های بودجه است. او همچنین درباره زمان ارائه لایحه برنامه هفتم توسعه به این خبرگزاری گفته: «برنامه ششم توسعه حداقل باید شش ماه تمدید شود تا دولت لایحه برنامه هفتم را به مجلس ارائه دهد». علاوه‌براین، این نماینده مجلس به تسنیم گفته: «احتمالا هفته آینده رئیس‌جمهور برای دفاع بودجه به مجلس بیاید» و به ایرنا هم گفته که «هیئت‌رئیسه مجلس باید برای هفته آینده جلسه‌ای را برای تقدیم لایحه بودجه از سوی رئیس‌جمهور به رئیس مجلس شورای اسلامی تنظیم کند.» با این حال به نظر می‌رسد که اصلا مشخص نیست لایحه از چه طریقی به نمایندگان رسیده و آیین تقدیم بودجه به مجلس از سوی رئیس دولت رسما ناییده انگاشته شده!

ارائه سند مالی دولت درخفا؟

عجیب‌تر اینکه هم‌زمان با انتشار این دو گفت‌وگوی میرتاج‌الدینی، روابط‌عمومی سازمان برنامه و بودجه در پاسخ به پرسش «شرق» درباره اینکه بودجه به چه صورت به مجلس ارسال شده و چه زمانی روی پرتال سازمان برای بررسی عموم قرار خواهد گرفت؟، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت که او نیز مانند دیگران خبر ارسال لایحه را ساعتی پیش در خبرگزاری تسنیم دیده و اطلاعاتی ندارد.

مهرداد گودرزوند‌چگینی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، نیز در پاسخ به این سؤال که چرا آیین

براساس اطلاعات بانک مرکزی، بانک‌ها بخشی از تسهیلات صنعت را به زیرمجموعه‌های خود پرداخت کرده‌اند

توقف پرداخت وام‌های بانکی

شرق: پرداخت وام در بانک‌های ایران تقریبا متوقف شده است و حالا چه متقاضیان وام‌های خرد و چه کارخانه‌ها و صنایع در پاسخ به درخواست تسهیلات از بانک‌ها «نه» می‌شنوند. برخی متصدیان بانکی می‌گویند دستور توقف پرداخت تسهیلات از سمت بانک مرکزی صادر شده و برای جلوگیری از رشد نقدینگی است و برخی می‌گویند بانک‌ها منابع کافی ندارند. هرچند در پاسخ به ادعای بانک‌ها، عده‌ای به بنگاهداری آنها اشاره می‌کنند و می‌گویند بانک‌ها منابع خود را به شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های زیرمجموعه خود پرداخت می‌کنند تا سود بیشتری عایدشان شود.

از برنامه ششم تا بودجه ۱۴۰۱؛ قوانین چه می‌گویند؟

درحالی‌که قانون پنج‌ساله برنامه ششم توسعه به پایان عمر خود رسیده و حتی یک سال هم تمدید شده است اما بسیاری از مفاد و شرایط اقتصادی تعریف‌شده در این قانون حتی در حد ۵۰ درصد هم اجرا نشده و شاید به همین دلیل شرایط این مفاد در برنامه هفتم و نحوه برخورد با آنها در هاله‌ای از ابهام است. یکی از برجسته‌ترین موارد اقتصادی این برنامه، رساندن سهم تسهیلات بانکی به صنعت مولد تا ۳۰ درصد کل تسهیلات بوده که نهنها اجرا نشده که در سال ۱۴۰۱ به شرایط بحرانی هم رسیده است. به

عبارت ساده‌تر و براساس قانون بالادستی برنامه ششم توسعه تا پایان سال اجرایی این قانون باید ۳۰ درصد از کل تسهیلات بانک‌ها به صنایع مولد می‌رسید اما درست در سال پایانی این قانون، نهنتها چنین برنامه‌ای محقق نشده که عملا تسهیلات‌دهی بانک‌ها به پیشران‌های اقتصادی بخش خصوصی متوقف شده است. پرسش اساسی ام این است که بانک‌ها تا چه اندازه به وظیفه تسهیلات‌بخشی خود به صنایع مولد عمل کردند؟ اطلاعات تازه بانک مرکزی درباره ابردهکاران بانکی که به‌عبارتی استفاده‌کنندگان از تسهیلات صنایع است، چه نکاتی مهمی دارد؟ آیا این شائبه که بانک‌ها تسهیلات بخش صنعت

را به زیرمجموعه‌های خود و نهادهای بانکی

پرداخت می‌کنند، مستند است؟ گزارش پیش‌رو با

کمک‌گرفتن از آمار رسمی بانک مرکزی به میزان

عملی‌شدن قانون رفع موانع تولید و همچنین

بررسی شرایط دریافت‌کنندگان وام‌های بخش

صنعت می‌پردازد.

در سال‌های گذشته بارها صاحب‌نظران حوزه

اقتصاد و صنعت و همچنین صاحبان صنایع از

مغفول‌ماندن قانونی مشخص و ماده ۲۱ آن به

عنوان یک راه‌حل سخن گفتند و تحقق آن را

مطالبه کرده‌اند. این قانون موردبحث، «قانون رفع

موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»

است که در سال ۱۳۹۴ تصویب شده اما تاکنون

به‌طور کامل اجرا نشده است. در سادۀ ۲۱ این

قانون، بانک مرکزی موظف شده به‌منظور تأمین

سرمایه در گردش پایدار برای واحدهای صنعتی،

معدنی، کشاورزی، حمل‌ونقل، صنوف تولیدی،

بنگاه‌های دانش‌بنیان و شرکت‌های صادراتی

در حال کار، افتتاح حساب ویژه تأمین سرمایه

در گردش را در چارچوب قانون عملیات بانکی

بدون ربا، به شائبه بانکی کشور ابلاغ کند. این

حساب بانکی که قانون به آن پرداخته در سخنان

صاحب‌نظران اقتصادی و کارآفرینان به‌اختصار

«حساب ویژه» نامیده شده و بارها در جلسات

مختلف به عنوان یک راه‌حل قانونی پیشنهاد شده

است. صاحبان صنایع می‌گویند وقتی صنعت

کشور دچار بحران تسهیلات در گردش است

و قوانین هم به‌طور شفاف راه‌حلی را پیشنهاد

داده‌اند، چرا این قانون و راه‌حل عملی نمی‌شود؟

علاوه بر این، هیئت وقت وزیران ایران در سال ۸۶

آیین‌نامه «نحوه واگذاری دارایی‌های غیرضرور

و اماکن رفاهی بانک‌ها» را به تصویب رساند و

جزئیات دقیقی را درباره شیوه فروش املاک

بانک‌ها تعیین کرد و پس از آن هم چندین رئیس

دولت از برنامه خود برای به‌سرانجام‌رساندن

این آیین‌نامه سخن گفتند. قانون مهم‌تری هم

دراین‌باره به نام قانون برنامه توسعه ششم وجود

دارد که در آن به طور شفاف آمده که میزان

تسهیلات صنعت باید به ۳۰ درصد کل تسهیلات به

برسد که این موضوع هم نهنتها اجرا نشده که

امسال و در سال پایانی این قانون، به بحرانی‌ترین

شرایط خود رسیده است. با این توضیحات این

پرسش به طور جدی مطرح می‌شود که چرا با

وجود قوانین مشخص، آیین‌نامه‌های اجرایی

شفاف، تأکید مسئولان و رؤسای دولت و همچنین

پیگیری صاحب‌نظران حوزه صنعت و اقتصاد،

هم اظهار کرده: «دولت متأسفانه حتی به صورت شکلی رعایت قانون را در نظر نمی‌گیرد. ۱۶ ماه از آغاز به کار دولت می‌گذرد، اما می‌بینیم که متأسفانه هیچ تصمیمی در این زمینه گرفته نشده است و هنوز برنامه هفتم مرحله تدوین را پشت سر می‌گذارد».

احد آزادی‌خواه، نماینده مردم ملایر در مجلس، نیز به دیده‌بان ایران گفته که دولت با وجود ارسال‌نکردن برنامه هفتم توسعه به مجلس بیش از دو هفته نیز در ارائه لایحه بودجه سال آینده تأخیر داشته و این‌گونه اقدامات موجب نابسامانی در اجرای پروژه‌ها و ناهماهنگی بین دستگاه‌ها می‌شود.

سازمان برنامه: نقد‌ها انگیزه سیاسی و جناحی دارد

اما خود سازمان برنامه و بودجه در پاسخی که به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی نوشته، ادعا کرده که کار بررسی و تصویب سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه در مجمع تشخیص مصلحت نظام به درازا کشیده و به همین علت سیاست‌ها بسیار دیر یعنی در روزهای آخر تابستان ابلاغ شده؛ درست زمانی که یک ماه از آغاز فعالیت‌های دولت برای تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۲ گذشته بود، همین هم موجب تأخیر و تداخل آن با بودجه سال آینده شده است.

سازمان برنامه همچنین نقد برخی کارشناسان و حتی نمایندگان مجلس به عملکرد دولت رئیسی در ارائه برنامه هفتم و بودجه ۱۴۰۲ را دارای انگیزه‌های جناحی و سیاسی معرفی کرده و نوشته: «اینکه برخی جریان‌ها بدون دقت در زمان ابلاغ سیاست‌ها و تغییراتی که در لایحه بودجه دولت ایجاد شده‌اند، چند روز تأخیر در ارائه لایحه بودجه را به بی‌برنامگی دولت تشبیه می‌کنند، نشان‌دهنده انگیزه‌های جناحی و سیاسی آنهاست، والا آنان که نقد دلسوزانه را در دستور کار خود دارند، نیکی می‌دانند که از دل برنامه‌ریزی دو، سه‌ماهه همان چیزی درمی‌آید که در دولت‌های پیشین موفقیت چندانی در تحقق آن پیدا نکردند».

سرنوشت اقتصاد کشور در ابرام

اگر خبر ارسال لایحه بودجه ۱۴۰۲ به مجلس درست باشد و برنامه مالی سال آینده کشور سرانجام بعد از ۲۵ روز و بدون توجه به آیین و قانون تقدیم بودجه، به مجلس رفته

باشد، با استناد به مفاد صریح قانون، لایحه در شرایط فعلی باید چنددوازدهم تصویب شود. در ماده ۱۸۲ و ۱۸۴ آیین‌نامه داخلی مجلس تأکید شده است چنانچه لایحه بودجه سالانه کشور تا تاریخ تعیین‌شده در آیین‌نامه یعنی ۱۵ آذرماه به مجلس تسلیم نشود، دولت موظف است لایحه چنددوازدهم را نیز به مجلس تسلیم کند. در تبصره‌های این لایحه نیز تأکید شده مجلس چنددوازدهم بودجه را بر مبنای آخرین قانون بودجه سالانه مجلس مصوب می‌کند و حداکثر مدتی که مجلس می‌تواند برای بودجه چنددوازدهم تصویب کند، سه‌دوازدهم است. با این حال برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که با وجود نص صریح این قانون، برخی از نمایندگان کنونی و اسبق مجلس به عرف رایج اشاره کرده و گفته‌اند که طبق روال حاکم، فقط اگر بررسی لایحه به گونه‌ای باشد که تا پایان اسفند به اتمام نرسد، این اتفاق رخ می‌دهد. با وجود سیل اظهارنظرها و اخبار منتشرشده، تا لحظه نگارش این گزارش به‌دلیل گره‌خوردن اعلام وصول بودجه به برنامه هفتم، نامعلوم‌بودن وضعیت این برنامه و همچنین اقدام‌نکردن دولت برای تمدید برنامه ششم، همه برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آینده اقتصاد کشور در هاله‌ای از ابهام است.

ادامه از صفحه اول

بودجه‌ریزی مشارکتی رویا یا واقعیت؟

اما نظر نویسنده از پیش معلوم بود: اینکه این نظرسنجی‌ها عبث است، زیرا شهرداری تنها در صورتی مایل به همراه‌کردن مردم محلات با خود است که کارهایش را تأیید کنند و بس!

ما قبل از این برای تهران بزرگ، آن‌طور که در بقیه شهرهای بزرگ جهان رسم بوده، بودجه‌ریزی مشارکتی نداشته‌ایم، و اگر هم در فرهنگمان چنین رسوم مشورتی‌ای داشته‌ایم در سنت اریایی یا کدخدائمنشی بوده که عده کمی در روستا دور هم می‌نشست‌اند و بر سر مسائل عینی و ملموس تصمیم می‌گرفته‌اند، اما در دوران مدرن، پروژه‌های بزرگ‌تر شهری را محله‌ای معمولا از بالا و توسط صاحبان قدرت، برنامه‌ریزان و مسئولین شهری محقق می‌شده‌اند و مردم شهر در آنها نقشی نداشته‌اند، مگر در مقوله وقف، که آن هم اگرچه برای مردم است ولی با تصمیم واقف عملی می‌شود.

واقعیت این است که شهرداری ما هم می‌خواهد به تقلید از Good Governance خارجی‌ها، به معنی اداره امور خردمندانۀ شهر (که در ایران به حکمرانی خوب ترجمه شده است)، چیزی به عنوان مردمی‌سازی را مطرح کند، غافل از اینکه اول باید مردم اهمیت و حساسیت موضوع را درک نمایند و دوم اینکه نیت مشارکت‌دادن آنها جدی باشد. در واقع، به قول شهردارچی بازم هم مدیران تصمیم گرفته‌اند «داوطلبان اجباری» را به بازی بگیرند. درضمن فکر نکرده‌اند که اگر به هر دلیلی پروژه‌های درخواستی انجام نشود چه ضرب‌های به اعتماد بین مردم و مدیریت شهری وارد می‌شود؟! اولین عکس‌العمل از طرف فعالین محلی خوش‌استقبال نبود، اما بعضی هم عقیده داشتند که چون طی این سال‌ها شورایاران طرح‌هایی به عنوان پروژه محلی پیشنهاد دادند که قرار بود بوجه‌بندی طبق آن انجام شود و بعد در شورای ششم، در دی‌ماه ۱۴۰۰ طرح رصد را کلید زدند که با کمک شورایاران پروژه‌های اولویت‌دار انتخاب بشوند که در این جداول برای بودجه ۴۰۲ اضافه شد، پس درست است که برای تحقق مطالبه خود سماجت داشته باشیم.

به‌رحال امروزه دیگر خیلی‌ها در جریان بودجه شهرداری هستند و به‌طور مثال می‌گویند که چندصد میلیارد تومان بودجه با موضوع مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری در اختیار شهرداری تهران قرار داده شده تا در سال ۱۴۰۱ در این راستا حرکت کنند. ولی تاکنون به جز گزارش‌های نمایشی و بی‌اساس چیزی مشاهده نکرده‌ایم و معلوم هم نیست بودجه را کجا صرف کرده‌اند و به نظر می‌رسد که اصلا اعتقادی به مناسب‌سازی ندارند. با آنکه در سطوح مختلف جزئیات ضوابط برایش حس است و باید در ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد دارای معلولیت یا ضوابط آیین‌نامه طراحی معابر شهری یا دستورالعمل‌های ستاد مناسب‌سازی به آن توجه شود. اگر مهره‌های مهم و دلسوز محلات در این نوع داستان‌ها شرکت کنند، به قول هانا آرتز آن «زایش» اتفاق می‌افتد و اتفاقا زنان محل باید پیش بیفتند. سراسی محله موجود هستند، فقط باید امکان فعالیت آزاد و مشارکتی در آن فراهم باشد و شهرداری هم هزینه‌های پایه را برای نیروهای فعال که باید داوطلبانه و مردمی باشد تأمین کند تا سرا برای تأمین هزینه به بنگاه اقتصادی بدل نشود.

بعضی از فعالین شهری هنوز فکر می‌کنند که «پروژه محلی» یعنی اقدامات توسعه‌ای احداثی در مقیاس محلی، درحالی‌که داشتن یک جماعت محلی community فعال خودش یک پروژه است. جماعتی که می‌تواند با راه‌اندازی رویدادهای مختلف به ارتقای کیفیت و حرکت آدم‌ها در فضاهای موجود کمک کند و همبستگی محلی را برای بهبود حال شهروندان رقم زند. هر چقدر این کنشایش فضا برای افراد فعال و علاقه‌مند بیشتر و بدون قید و شرط باشد، این کیفیت بهتر محقق خواهد شد. در غیر این صورت مردم در خانه‌هایشان می‌ماند و اعتماد نمی‌کنند. ما قبلا از این‌نوع تجربه‌ها در تهران داشته‌ایم: مثلا کنسرت‌هایی که دکتر سعادت‌ی، شهردار منطقه ۱۲ در میدان مشق و محوطه خرابه‌های هراز براجان (در محله قدیمی اولادجان) گذاشت، رویدادهای هنری و مردمی بودند. پروژه بودند. برنامه و بودجه داشتند و یک عده برایش کار کرده بودند… و مزد هم گرفته بودند. البته ایجاد باتوق‌های کوچک محلی هم پروژه هست. می‌توان پرسید: چرا بعد از این همه سال خرابه برازجان را به یک فضای عمومی فعال مجهز تبدیل نمی‌کنند؟ پاسخ اینکه: لاید می‌خواهند در برازجان ساختن مساز کنند؟ وقتی شهرداری و نیروی انتظامی - نصف - تمام اولادجان میانی را ۱۸ سال پیش خریدند و بولدوزر انداختند، برای درست‌کردن پارک یا فضای خدماتی عمومی که نبود! حتی چند تا پروژه هم برای آنجا به عنوان محله مسکونی-تجاری کشیده شد، که اجرا نشد. به‌رحال، طرف صحبت ما به عنوان متخصص شهری، شهرداری است و مردم. باید توجه هر دو گروه به ایده‌های خوب بزرگ و شهر، جلب بشود.

اکنون ما چاره‌ای نداریم جز مشارکت. برای نظارت مردمی بر کار شهرداری و شفاف‌سازی عملکرد شهرداری -که تاکنون بر اسراف و منفعت‌طلبی شخصی و… پایه داشته- باید شهروندان اول تمرین نظارت و مشارکت کنند. به شرطی که این مشارکت‌طلبی واقعی باشد. مردم تعارضش از نظر شهرداری و هم استقبال آن از سوی مردم محلات. به نظر من هیچ بد نیست به جای رویکردی سلبی و همکاری نکردن در کارهایی که به‌رحال عنوان «طرح بودجه‌ریزی مشارکتی» را با خود پدک می‌کشند، نگاه همه شهروندان را به سوی این اقدامات جلب کنیم و ایجابی رفتار کنیم! خواهید دید که بعد از چند سال مردمی خود مردمی که مشارکت کرده‌اند و کاغذ نظرسنجی بر کرده‌اند، اگر کارها درست جلو نرود، مطالبه‌گر خواهند شد. به‌رحال، اینکه شورایاران را حذف کردند کار خوبی نبود. شورایاران باید دوباره تحت هر ساختاری از جنس شورای محله، فعالیت خود را ادامه بدهند. این را مجلس بهتر از هر کسی می‌داند. زیرا تنها با داشتن حرکتی مستمر و از پایین به بالاست که نیازها و ایده‌های محلی می‌توانند در سطح بودجه پاسخ داده شوند. نظرسنجی خوب است، اما کافی نیست.